



احکام بیدادگاه های حکومت اسلامی نمیتواند کارگران را مرعوب کند

دست در دست هم دهیم

و با شرکت در اعتراضات جاری در داخل و خارج کشور

از مبارزات کارگران پشتیبانی بکنیم

روز 16 شهریور، دست در ایام برگزاری مراسمهای توام با افشاگری سالگرد قتلعام زندانیان سیاسی در سال 67، یکی از بی دادگاه های زیر نظر «رئیس» (معروف به آیت الله قتلعام) احکام ظالمانه خود را بر علیه دوتن از کارگران نیشکر هفت تپه و چند تن از روزنامه نگاران مدافع جنبش کارگری اعلام کرد. دوتن از نمایندگان منتخب کارگران نیشکر هفت تپه، اسماعیل بخشی به چهارده سال و محمد حنیفر به شش سال زندان، و نیز سپیده قلیان به نوزده سال، امیر حسین محمدی فرد، عسل محمدی، ساناز الهیاری، امیر امیرقلی، سر دبیر و اعضاء هیأت تحریریه نشریه گام به هیجده سال زندان محکوم شدند.

صدور بیشرمانه چنین احکام سنگینی علیه نمایندگان منتخب کارگران نیشکر هفت تپه و روزنامه نگاران مدافع جنبش کارگری، آنها در سالگرد کشتار زندانیان سیاسی دهه شصت، نشاندهنده رعب و وحشت طبقه حاکم و دستگاه سرکوبگر آن از رشد و اعتلای جنبش کارگری و موج گسترده حمایت زحمتکشان، روزنامه نگاران، روشنفکران و هنرمندان و نویسندگان مستقل و مترقی از جنبش کارگری است. بانستن «رئیس» یکی از قاتلان معروف هزاران زندانی سیاسی بر اساس دستگاه قوه قضائیه و صدور چنین احکام سنگینی بر علیه نمایندگان کارگران و روزنامه نگاران، نشان میدهد که شمشیر نظام بر علیه کارگران و مدافعین جنبش کارگری از روبرو شده است. بیش از سی سال است که عمده ثروت اجتماعی و دسترنج توده های زحمتکش مردم برای سرپانگداشتن جمهوری جهل و جنایت به کام دستگاه جهانی سرکوب ریخته میشود تا بخیال خود هر جنبنده ای علیه دستگاه مافیای حاکم را سرچاپش بنشانند. اما اکنون اوضاع دیگری در پیش روی است. تعمیق بحران اقتصادی، اخراج های گسترده کارگران، عدم پرداخت بموقع حقوق و دستمزد ها، تورم افسارگسیخته، افزایش بیکاری، بی مسکنی، توده های به جان آمده را با فشارهای اقتصادی و معضلات بیشمار مواجه ساخته است و برای کارگران زحمتکشان را ه چاره ای جز اعتراضات و اعتصابات گسترده و سرانجام اعتصاب عمومی و قیام مسلحانه علیه مافیای قدرت و ثروت و کل نظام ارتجاعی حاکم باقی نگذاشته است. پیشبینی چنین اوضاعی است که رژیم جمهوری اسلامی را واداشته است تا کارجلادان خود را رونقی دیگر بخشد. با این توهم که گویا باتشدید سرکوب میتوانند طبقه کارگر و توده های مردم را ساکت کنند.

اما فراموش نباید کرد که ایران بیش از این شاهد قیامهایی نظیر دیماه 96 و اعتصابات عظیم کارگری و اعتراضات توده ای متعددی بوده است و اکنون آبیستن حوادث و تحولات عمیقتری است و رژیم برای احتراز از وقوع حوادث مشابه و قیامهای توده ای، شمشیر را از روبرو بسته است و به همین دلیل سرکوب جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی را تشدید نموده است. وظیفه ما همه کارگران و عموم زحمتکشان است که در برابر تشدید سرکوبگری رژیم، متحدان در داخل و خارج کشور به مبارزه و مقاومت ادامه دهیم. نیروهای چپ انقلابی و جنبش های اجتماعی سوسیالیستی، آزادیخواه و مترقی میباید در اتحاد باهم و با طرح خواست ها و مطالبات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی توده های رنجیده و استثمار شده، به امر آگاهی و سازمانیابی جنبش طبقه کارگر و سایر جنبش های اجتماعی مترقی و دموکراتیک یاری رسانند. بویژه وظیفه تعطیل ناپذیر کارگران سرتاسر ایران، بویژه کارگران نیشکر هفت تپه است که در برابر احکام ظالمانه بیدادگاه جمهوری اسلامی علیه نمایندگان شان و روزنامه نگاران، به اعتراض برخیزند.

مقابله با نظام حاکم و دستگاه سرکوبگر آن، پایان دادن به پراکندگی مبارزات، و گردآمدن گردانهای کار و زحمت در یک جبهه انقلابی بمنظور گسترش مبارزه برای سرنگونی انقلابی رژیم و استقرار ساختار اقتصادی و اجتماعی نوین مبتنی بر شوراها راه امری فوری و ضروری تبدیل کرده است. امروزه خواست ها و مطالبات اقتصادی و رفاهی طبقه کارگر و توده های رنجیده و زحمتکش مردم با مطالبات آزادیخواهانه و دموکراتیک درهم آمیخته است و شرکت گسترده و متحد در اعتراضات، اعتصابات، و تظاهرات و سایر اشکال مبارزه بر علیه ستم و استثمار و سرکوب و نیز آزادی کارگران زندانی و سایر زندانیان سیاسی یک وظیفه تعطیل ناپذیر هر انسان آزادیخواه و انقلابی محسوب میگردد.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

زنده باد سوسیالیسم

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

17 شهریور 98